

Analyzing the Explanation of the Global Epidemic of Corona and its Effect on the Obligation of Hajj with a Jurisprudential Approach

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Azam Ramazani
Abbas Ali Heydari*
Mahmoud Ghayomzadeh

How to cite this article

Azam Ramazani, Abbas Ali Heydari, Mahmoud Ghayomzadeh, Analyzing the explanation of the global epidemic of Corona and its effect on the obligation of Hajj with a jurisprudential approach, *Journal of Quran and Medicine*. 2021; 6(2): 101-110.

1. PhD student, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
2. Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran (corresponding author).
3. Professor, Department of Education and Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: aa-heidari@iau-arak.ac.ir

Article History

Received: 2021/07/15
Accepted: 2021/08/23

ABSTRACT

The huge annual gathering of Muslims from all countries to perform Hajj is the most beautiful religious ceremony in the world. Therefore, this huge human migration brings the most important challenges in the field of affordability and security in the field of health and hygiene. The new natural coronavirus is about There is not much awareness about its emergence, but it has affected human life in a large way. So far, it has infected millions of people and killed many people. This has caused human life and normal flow on the planet to be disrupted. Regarding the obligation of Hajj and the importance of not leaving the Kaaba empty of pilgrims, the ruling on the existence or provision of road capacity as a condition for the obligation of Hajj is not very clear for the obligees, and there are ambiguities such as whether the obstacle is legal or rational, and whether the path is actually or potentially free of obstacles, etc. This has become a topic, therefore, the research "examining the explanation of the global epidemic of Corona and its effect on the obligation of Hajj with a jurisprudential approach" which is an emerging disease, is a problem that needs to be explored to the stage of an answer worthy of attention. The lack of security in the field of health in the land of revelation and the path leading to it to perform the Hajj rituals will result in the lack of financial capacity of the obligees and eventually the Hajj will not be obligatory for them. In this article, after examining the mysterious phenomenon of Corona, which has caused the death of millions of people and is the most important event of the century; By referring to the evidences and narrations in the jurisprudential books, let's discuss the non-obligation of Hajj in situations where there is no security for pilgrims.

Keywords: Obligation, Affordability, Methodical Affordability, Suspension of Hajj, Infectious Diseases, Jurisprudence Rules.

واکاوی تبیین اپیدمی جهانی کرونا و تأثیر آن بر

فریضه حج با رویکرد فقهی

اعظم رضانی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

عباسعلی حیدری*

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول).

محمود قیوم زاده

استاد، گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

چکیده

گردهمایی عظیم سالیانه مسلمانان همه کشورها برای انجام فریضه حج تمتع، بزرگترین مراسم مذهبی دنیا می باشد. بنابراین این مهاجرت عظیم انسانی مهمترین چالش ها را در زمینه وجود استطاعت طریقی و امنیت در مسیر و حوزه سلامت و بهداشت را به همراه دارد. کرونا و ویروسی طبیعی و جدید است که درباره پیدایش آن آگاهی چندانی وجود ندارد، اما زندگی بشر را در ابعاد وسیع تحت تأثیر قرار داده است. تا کنون میلیونها انسان را مبتلا و افراد زیادی را به کام مرگ کشانده است. همین امر باعث شده تا حیات انسانها و جریان عادی روی کره زمین مختل گردد. نظر به وجوب حج و اهمیت خالی نماندن کعبه از حجاج، حکم وجود یا تأمین استطاعت طریقی به عنوان شرط وجوب حج برای مکلفان چندان روشن نیست و ابهاماتی نظیر شرعی یا عقلی بودن مانع، و خالی بودن بالفعل یا بالقوه مسیر از مانع و... سبب اختلاف تفاسیر فقها از این موضوع شده؛ از این رو پژوهش «واکاوی تبیین اپیدمی جهانی کرونا و تأثیر آن بر فریضه حج با رویکرد فقهی» که بیماری نوظهوری می باشد مساله ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی در خور توجه می باشد. نبود امنیت در حوزه سلامت در سرزمین وحی و مسیر منتهی به آن برای انجام مناسک حج، موجب نبود استطاعت طریقی مکلفان و در نهایت واجب نشدن حج برای آنها خواهد بود. در این نوشتار سعی شده است پس از بررسی پدیده راز آلود کرونا که باعث مرگ میلیونها نفر شده و مهم ترین عنوان رویداد قرن می باشد؛ با مراجعه به ادله و روایات موجود در کتب فقهی واجب نبودن حج را در شرایطی که امنیت برای حجاج برقرار نیست را مطرح نماییم.

کلید واژه ها: وجوب، استطاعت، استطاعت طریقی، تعطیلی حج، بیماریهای واگیردار، قواعد فقهی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

*نویسنده مسئول: aa-heidari@iau-arak.ac.ir

مقدمه

فریضه حج یکی از مهمترین مسائل عبادی - سیاسی آیین مقدس اسلام است که در میان فرایض دینی سفارش و توصیه فراوانی از سوی اولیای دین در این زمینه وارد شده است. چنانچه در باب تعطیل نشدن حج صاحب وسائل ده روایت بیان کرده و بر توجه به فریضه الهی حج تأکید می کند. اما ممکن است ضرورت هایی همچون درگیری، مسائل سیاسی، بیماری و... باعث تعطیلی حج بشود. عربستان سعودی هر ساله میزبان بیش از دو میلیون زائر از سراسر دنیا است. در این مراسم معنوی مسلمانان در شهرهای مکه و مدینه گرد هم می آیند تا سفر معنوی خود را آغاز کنند. این مهاجرت بزرگ انسانی گرچه در مدت زمان کوتاهی صورت می گیرد اما ازدحام جمعیت و جابه جایی زیاد افراد در این زمان کوتاه و ارتباط بسیار نزدیک زائران در حین برگزاری مناسک موجب انتشار بیماری در بین زائران می گردد که همین مساله، نیازمند مراقبت و پایش مداوم مسائل بهداشتی و محیطی می شود.

نظر به اهمیت وجوب حج، ممکن است به خاطر بسته بودن مسیر یا جلوگیری حکومت حاکم عربستان و وجود خطر و بیماری در مسیر، حج ترک شود. برای این ترک دو حالت متصور می گردد ۱- گاهی ترک به نبود استطاعت طریقی مستند می گردد که جنبه فردی دارد ۲- گاهی ترک جنبه عمومی پیدا می کند و آن زمانی است که میان همه مسلمانان شایع شود که در این صورت تعطیلی عمومی رخ می دهد.

در ادامه به بیان وجوب حج و خالی نماندن کعبه از حجاج سپس تبیین مفهوم استطاعت و مفهوم امنیت و سلامتی و دوری از خطر اشاره شده و در پایان به قواعد، ادله و مستندات جهت ترک حج در صورت ناامنی و خطر اشاره می گردد.

تبیین اپیدمی کرونا

کرونا و ویروسی جدید و طبیعی است که درباره منشأ پیدایش آن آگاهی چندانی وجود ندارد، اما زندگی بشر را در ابعاد وسیع تحت تأثیر قرار داده است. شیوع این بیماری در جامعه، علاوه بر آنکه چالش های متعددی را در حوزه دانش های پزشکی و طبیعی ایجاد می کند، در حوزه فقهی نیز چالش های گوناگونی را ایجاد نموده است چرا که ویژگیها و خصوصیات این بیماری نسبت به سایر بیماریهای واگیر دار خاص است و همین بی نظیر بودن این بیماری در نوع خود باعث شده که مسائل فقهی و اجتماعی افراد را بطور خاص تحت تأثیر قرار دهد. بیماری کوید ۱۹ از جهت سرایت پذیری؛ قابلیت انتقال در سطح وسیع و عمومی؛ سرعت بسیار بالا در انتشار؛ شدت بالای مرگ و میر و فقدان روش درمانی شناخته شده باعث شده که تمام فعالیت های اجتماعی و مناسبتهای مذهبی از نماز جماعت و برگزاری عزاداری گرفته تا برگزاری حج و عمره را تحت شعاع خود قرار داده تا جایی که مسئولین امر از درک آن عاجز مانده اند. رواج بیماری در حرمین شریفین در گذشته یکی از عوامل تعطیلی حج بوده است. چرا که موسم حج، کعبه پذیرای بیش از دو میلیون زائر از سراسر دنیا می شود و زائران خانه خدا بزرگترین همایش جهانی اسلام را رقم می زنند. هنگام بروز و ظهور شیوع

«اگر مردم حج را تعطیل کنند، برپیشوا و زمامدار است که مردم را بر انجام حج ناگزیر سازد، آنان مایل باشند یا نباشند چرا که این خانه برای حج قرار داده شده است» (۳).

در باب تعطیل نشدن حج صاحب وسائل ده روایت را بیان کرده که براین فریضه الهی تأکید می کند، برخی از آن روایات عبارتند از: * لَوْ تَرَكَ النَّاسُ الْحَجَّ لَمَا تَوَطَّرُوا الْعَذَابَ - أَوْ قَالَ نَزَلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ. راوی می گوید: اگر مردم حج را ترک کنند در نزول عذاب به آنها مهلت داده نمی شود - یا اینکه گفته می شود که هر آینه عذاب بر ایشان نازل می شود.

* عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ ص يَقُولُ لَوْلَيْدِي يَا بَنِي - أَنْظَرُوا نَبِيَّتَ رَبِّكُمْ فَلَا يَخْلُونَ مِنْكُمْ فَلَا تَنْظَرُوا. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: علی (ع) به فرزندش می گفت ای فرزندم مراقب خانه پروردگارتان باشید که از حضور شما خالی نشود که اگر چنین شد مهلت داده نمی شود.

* عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا يَزَالُ الدِّينُ قَائِمًا مَا قَامَتِ الْكَعْبَةُ. وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ مُرْسَلًا. وَ رَوَاهُ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلَوِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي الْمَعْرَاءِ مَثَلَهُ. از گروهی از صحابه شیعه نقل شده که امام صادق (ع) فرمودند: تا زمانی که حج خانه خدا اقامه شود و به جا آورده شود دین اسلام زنده و پا بر جاست تا کعبه برپاست، اسلام برپاست، و چنین سخنی را شیخ صدوق نیز به روایتی مرسل نقل نموده است. و در کتاب علل الشرائع نیز مثل چنین چیزی را نقل نموده است.

* رَوَى أَنَّ الْكَعْبَةَ شَكَّتْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فِي الْفِتْرَةِ بَيْنَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٍ ص - فَقَالَتْ يَا رَبِّ مَا لِي قَلَّ زُورَارِي مَا لِي قَلَّ غُودَايَ - فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنِّي مُنْزَلٌ نَوْرًا جَدِيدًا عَلَى قَوْمٍ - يَجْنُونَ إِلَيْكَ كَمَا تَحَنُّ الْأَنْعَامُ إِلَى أَوْلَادِهَا - وَ يُزْفُونَ إِلَيْكَ كَمَا تَرْفُ السُّنُونُ إِلَى أَرْوَاجِهَا يَعْنِي أُمَّةً مُحَمَّدٍ (ص). روایت شده که خانه کعبه رو به خداوند عزیز و بلند مرتبه در زمان فترت که میانه حضرت عیسی (ع) و حضرت رسول (ص) است؛ شکایت کرد و گفت: پروردگارا من را چه شد که زیارت کنندگان مکن کم شدند؛ مرا چه شد که عبادت کنندگان من کم شدند، پس حق سبحانه و تعالی وحی کرد بر کعبه که من بر قومی نوری تازه خواهم فرستاد (که منظور از این نور یا حضرت رسول (ص) یا شریعت یا قرآن است) که از روی محبت به سوی تو خواهند آمد. همانطور که گوسفندان و امتثال آن از روی محبت و شوق به سوی فرزندان خود می روند و همانطور که زنان با اشتیاق در مراسم ازدواج به سوی همسرانشان می روند. (یعنی مراد و منظور از این قوم امت محمد (ص) است).

* راوی می گوید: قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ نَاسًا مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَنْصَاصِ يَقُولُونَ - إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ حَجَّةً ثُمَّ تَصَدَّقَ وَ وَصَلَ كَانَ خَيْرًا لَهُ - فَقَالَ كَذَبُوا لَوْ فَعَلَ هَذَا النَّاسُ لَعَطَّلَ هَذَا النَّبِيَّتَ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ هَذَا النَّبِيَّتَ قِيَامًا لِلنَّاسِ. به امام صادق (ع) عرض کردم: گروهی از داستان سرایان می گویند: اگر انسان یک بار حج را به جای آورد و دفعات بعد به جای حج رفتن مکرر پول آن را صدقه دهد و همین کار را ادامه دهد برای او از حج بهتر است. سپس فرمود: دروغ می گویند اگر مردم چنین کنند قطعاً حج خانه خدا تعطیل خواهد شد

بیماری های واگیردار در هر منطقه ای رعایت نکات بهداشتی ضروری است. و پزشکان و متخصصان به آن توصیه فراوان می کنند. فاصله گذاری اجتماعی و دوری از مناطق و افراد آلوده امر بدیهی می باشد. حال با نظر به اینکه زائران از لحظه ورود به عربستان و انجام مناسک به صورت فشرده در کنار یکدیگر قرار دارند لذا فاصله گذاری اجتماعی با مدل حج در تضاد است. و تا زمانی که درمانی قطعی برای ویروس کرونا یافت نشود این مشکل وجود خواهد داشت.

دبیر کل اتحادیه جهانی علمای مسلمان در فتوایی بیان داشت که در زمان شیوع قطعی یا گمان شدید به شیوع یک بیماری همه گیر که از طریق متخصصان اعلام می گردد بسیاری از حجاج به دلیل ازدحام جمعیت در مراسم حج به این بیماری مبتلا میشوند، بنابراین برگزار نشدن مراسم حج تمتع به صورت موقت جایز است. وی در فتوای خود افزوده است: فقها درباره جواز ترک حج تمتع در زمانی که ترس از سختی مسیر وجود داشته باشد اتفاق نظر دارند. حتی استطاعت برای ادای فریضه حج جز در صورت امنیت محقق نمی شود. به همین دلیل بیماریهای همه گیر نیز یکی از عذرهای مباح برای ترک حج است. به شرطی که ترس از انتشار بیماری به سبب برگزاری حج غالب باشد (۱).

و جوب حج و عدم جواز تعطیلی کعبه

حج در اسلام از جایگاه والا و ویژه ای برخوردار است در اهمیت و وجوب حج آیات و روایات بسیاری نقل شده است که اگر مردم توان حضور در سرزمین وحی را نداشته باشند حاکم اسلامی برای اینکه خانه خدا خالی نماند باید از بیت المال هزینه سفر مردم را تأمین کند.

خداوند تبارک و تعالی حج را بر بندگان خویش به سبب مصالح و منافعی که برای آنان دارد واجب کرد. و می فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعِ الْيَه سَبِيلًا...» (آل عمران: ۹۷) برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه او کنند، آنان که توانایی رفتن به سوی آن را دارند.

صاحب مدارک در بیان وجوب حج آورده است: قد أجمع المسلمون كافةً على وجوب الحج، و الأصل فيه قول الله عزَّ و جلَّ «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعِ الْيَه سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» و في الآية ضروب من التأكيد و المبالغة، منها: قوله و لله على الناس أي حق واجب عليهم لكونه إلهًا، فيجب عليهم الانقياد، سواء عرفوا وجه الحكمة فيه أم لم يعرفوا، فإن كثيرا من أفعال الحج تعبد محض. (۲)

به تحقیق تمام مسلمانان بر وجوب حج اجماع کرده اند و اصل در این وجوب کلام خدای تبارک و تعالی است که می فرماید: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعِ الْيَه سَبِيلًا...» در این آیه نوعی از تأکید و مبالغه وجود دارد مثل سخن خداوند: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ» یعنی حق واجبی است بر شما، بنا براینکه او پروردگار شماست، بنابراین تبعیت از او بر شما واجب است چه حکمت و دلیل این کار را بدانید و چه ندانید، زیرا بسیاری از افعال حج تعبد محض است. روایت دیگری از امام صادق (ع) دلالت بر اهتمام شارع نسبت به حج دارد و بیانگر این مطلب است.

فقههای بزرگی همچون بحرانی و کلینی بر این عقیده اند و داشتن شرایط ذکر شده را به همراه استطاعت مالی و بدنی شرط استطاعت می دانند.

سَأَلَ حَفْصُ الْكِنَاسِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعَةِ إِلَيْهِ سَبِيلًا» مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخْلِئًا سَرْبَهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ أَوْ قَالَ مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَقَالَ لَهُ حَفْصُ الْكِنَاسِيِّ فَإِذَا كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخْلِئًا سَرْبَهُ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحِجَّ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ قَالَ نَعَمْ (۶)

راوی می گوید: که حفص کناسی آن گاه که من هم حضور داشتم، از امام صادق (ع) از تفسیر آیه استطاعت حج پرسید. حضرت فرمود: آیا کسی که از لحاظ جسمی سالم است راه حج امنیت لازم را دارد، توشه راه و مرکب برایش فراهم است، یا اینکه دارایی لازم را داشته باشد، او مستطیع نمی شود؟ کناسی گفت: یعنی کسی که دارای این ویژگی ها باشد مستطیع است؟ حضرت فرمود آری.

آیه مذکور سند محکمی در جهت تأیید استطاعت شرعی می باشد و مسلمانان را در صورت داشتن استطاعت، مکلف به حج گذاردن کرده است. تتبع و بررسی در این احادیث در خصوص شرط امنیت، بیانگر این است که کلماتی همچون «مخلی سربه» به بیان استطاعت طریقی پرداخته است.

رفع یک شبهه

ممکن است در اینجا این اشکال وارد گردد که پرداخت مال به دشمن برای تحقق بخشی به امکان سیر و پیمودن مسیر لازم است چرا که برخی از روایات بر این امر دلالت دارد. برای روشن شدن مطلب بخشی از نظرات فقهای عظام را بررسی می کنیم.

محقق سبزواری در ذخیره المعاد می نویسد: «اشترط تخلیه بخیث يتمكن من المسير بوجه لا يقضي إلى شدة و مشقة شديدة عادة». مراد از تخلیه السرب را تمکن از مسیر دانسته، به گونه ای که عادتاً اقتضای شدت و مشقت در بر نداشته باشد. (۷)

محقق خوبی در کتاب موسوعه الامام الخوئی آورده است: «و يشترط أيضاً الاستطاعة السربية بأن لا يكون في الطريق مانع لا يمكن معه الوصول إلى الميقات أو إلى تمام الأعمال وإلا لم يجب و يدل عليه نفس الآية الشريفة «ومن استطاع إليه سبيلاً» فإن المستفاد من الاستطاعة السربية تخلية السرب و الأمان من الخطر في الطريق، مضافاً إلى الروايات المعتبرة المفسرة للآية الشريفة المتضمنة». یکی از شروط وجوب حج استطاعت سربی است؛ و در آن شرط است که در مسیر مانعی برای رسیدن به میقات یا تمامی اعمال و مناسک حج، نباشد. در غیر این صورت استطاعت محقق نمی گردد. و این آیه شریفه بر آن دلالت دارد؛ و از استطاعت طریقی تخلیه السرب و امنیت مسیر برداشت می گردد. علاوه بر آن روایات معتبر؛ مفسری بر این آیه شریفه می باشند. (۸)

صاحب مدارک در این باره آورده است: «منع توقف الوجوب علی تخلية السرب بالفعل، بل الشرط التمكن من المسير، و هو حاصل، إذ المفروض اندفاع العدو بالمال المقدور، و بعد تحقق الشرط يصير الوجوب مطلقاً، فتجب مقدماته كلها على ما بيناه». شرط وجوب حج، تمکن از مسیر است؛ اما تخلیه السرب بالفعل منظور نیست و به

همانا خداوند عزیز و بلند مرتبه حج خانه خود را سبب برپایی و اداره امور مردم قرار داده است. (همان ۲۱/۱۱).

نقش استطاعت طریقی در وجوب حج استطاعت بر دو گونه است:

۱. استطاعت عقلی: قدرت عقلی بر انجام مناسک حج را - اعم از پیاده و سواره، به آسانی و دشواری، با عزت و ذلت - استطاعت عقلی گویند.

۲. استطاعت شرعی: قدرت ویژه‌ای که شارع مقدس، آن را در وجوب حج معتبر دانسته است و بدون حصول آن - هر چند قدرت عقلی محقق باشد - حج واجب نمی گردد؛ و چنانچه انجام گیرد، از حجت الاسلام کفایت نمی کند.

استطاعت شرعی چهار رکن اساسی دارد که بدون حصول هر یک از آن‌ها، استطاعت محقق نمی شود:

۱. استطاعت مالی: حج گزار باید علاوه بر زاد و توشه سفر، مخارج خانواده اش را تا زمان بازگشت از سفر داشته باشد.

۲. استطاعت سربی: برخوردار بودن راه و مقصد از امنیت لازم و عدم احساس خطر بر جان، مال یا آبروی خود در طول سفر و هنگام انجام مناسک که از آن به «تخلیه السرب» تعبیر می شود.

۳. استطاعت بدنی: توانایی و سلامت جسمانی لازم برای رفتن به مکه و انجام مناسک.

۴. استطاعت زمانی: در اختیار داشتن زمان کافی برای انجام سفر و مناسک حج. (۴)

با توجه به اقسام استطاعت می توان گفت که استطاعت طریقی باحدود و شرایط خاص، شرط وجوب حجه الاسلام است. اعتبار این استطاعت مورد اتفاق است و مراد از آن این است که مسیر برای رسیدن به اعمال و مناسک حج باز باشد و خطری هم در راه نباشد که جان و مال و عرض انسان را تهدید کند. پس اگر راه باز باشد ولی خطره هم وجود داشته باشد، مثل این است که راه بسته است.

امام خمینی (ره) به سه صورت تخلیه السرب را بیان کرده و می فرماید: «يشترط في وجوب الحج... والاستطاعة السربية: بأن لا يكون في الطريق مانع لا يمكن معه الوصول إلى الميقات، أو إلى تمام الأعمال، وإلا لم يجب. وكذا لو كان خائفاً على نفسه أو بدنه أو عرضه أو ماله، وكان الطريق منحصراً فيه، أو كان جميع الطرق كذلك. ولو كان طريق الأبعد مأموناً يجب الذهاب منه. ولو كان الجميع مخوفاً، لكن يمكنه الوصول إليه بالدوران في بلاد بعيدة نائية لا تعد طريقاً إليه، لا يجب على الأقوى. (۵)

در وجوب حج، و استطاعت طریقی شرط است؛ به این ترتیب که در راه مانعی نباشد که با وجود آن، رسیدن به میقات یا تمام اعمال حج امکان نداشته باشد و گرنه حج واجب نیست. و همچنین است اگر بر جان یا بدن یا عرض یا مالش بترسد و راه فقط همین باشد یا همه راه‌ها این چنین باشند (که حج بر او واجب نیست)؛ و اگر راه دورتر ایمنی دارد باید از آن راه برود، و اگر در همه راه‌ها چنین ترسی وجود داشته باشد ولیکن با دور زدن در شهرهای دور دست که راه مکه حساب نمی شوند امکان رسیدن به حج باشد بنابر اقوی حج واجب نمی باشد.

نباشند. اما اگر این شرط را شرط عقلی به شمار آوریم، وجوب و عدم وجوب پرداخت دایر مدار ضرر و حرج در پرداخت است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «من استطاع الیه سبیلاً» می فرماید: کلمه «سبیلاً» تمیز برای فعل «استطاع» است و منظور آن را مشخص می کند. که هر کس توان و استطاعت لازم در پیمودن مسیر حج و رسیدن به مکه و انجام اعمال و مناسک حج را دارا باشد، حج بر او واجب است و از طرفی روایات وارده بر تفسیر این آیه شریفه بیانگر این موضوع است از جمله:

وَفِي كِتَابِ التَّوْحِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ- مَنْ كَانَ صَحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخْلِئًا سِرَّهُ لَهْ زَادُ وَ رَاحِلَةً ۳

مطابق روایات موجود در تفسیر این آیه می توان گفت: استطاعت بر اموری از جمله سلامت و تندرستی برای پیمایش مسیر و انجام مناسک؛ خالی بودن مسیر از مانع و دارا بودن مال برای مخارج سفر و اداره زندگی پس از بازگشت متوقف است.

واضح است که هنگامی که قانونگذار شریعت در صد بیان شرایط و موانع تعلق تکلیف بر عهده مکلف است، این معنا به ذهن خطور می کند که با فراهم شدن شرایط مد نظر شارع و عدم موانع تعلق وجوب، تکلیف بر ذمه مکلف مستقر می گردد. و با توجه به کلمات فقها متوجه می شویم که اگر مسیر سرزمین وحی از هر گونه عامل بازدارنده خالی باشد و حاکمان جور مانع حج گزاری نشوند؛ حج بر عهده مکلف مستقر می گردد. بنابراین مکلف علاوه بر اینکه استطاعت مالی و بدنی دارد باید از استطاعت طریقی هم اطمینان حاصل نماید. علاوه بر این پرداخت مال به دشمن فرضی برای عبور از مسیر و انجام مناسک با پرداخت مال به حکام عربستان برای دریافت مجوز ورود کاملاً متفاوت است و مقایسه این دو با هم قیاس مع الفارق می باشد. چرا که هدف دشمن صرفاً باج خواهی است و در جهت مصالح حجاج مصرف نمی گردد. و فقط برای دفع از شر دشمن چنین مالی پرداخت می گردد به خلاف مبالغی که کشور عربستان در قبال فراهم کردن امکانات از حجاج دریافت می کند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که پرداخت مال به دشمن فرضی تحصیل شرط وجوب محسوب می گردد و واجب نمی باشد و در چنین شرایطی مکلف مستطیع نمی گردد.

ادله روایی ممنوعیت رفتار در انتقال بیماری و آگیر دار خواهد بود در روایات نیز بر ممنوعیت هر رفتار عامل انتقال که احتمال عقلایی به انتقال و سرایت بیماری از آن برود و احتمال بیماری نیز در آن پیامد زیانبار قابل توجهی داشته باشد دلالت دارند. این روایات بر ضرورت اتخاذ روشهای عقلایی در برابر بیماریهای و آگیر داروراههای مسدود کردن آن می باشند.

* حلبی می گوید: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ الْوَبَاءِ يَكُونُ فِي نَاحِيَةِ الْمَصْرِ- فَيَتَحَوَّلُ الرَّجُلُ إِلَى نَاحِيَةِ أُخْرَى- أَوْ يَكُونُ فِي مَصْرٍ فَيُخْرَجُ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ- إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ص عَنْ ذَلِكَ لِإِمَّاكَانِ رَبِيَّةٍ «۱»- كَانَتْ بِحِيَالِ الْعَدُوِّ وَقَوَّعَ فِيهِمُ الْوَبَاءُ فَهَرَبُوا مِنْهُ- فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْفَارُّ مِنْهُ كَأَثَرٍ مِنَ الرَّحْفِ- كَرَاهِيَةٌ أَنْ تَخْلُوَ مَرَاكِبَهُمْ. از امام صادق (ع) در مورد وبا سوال کردم که در ناحیه ای

صورت بالقوه هم با پرداخت مال مقدور به دشمن، تمکن از مسیر حاصل می گردد. و بعد از تحقق شرط، وجوب مطلق می شود و مقدماتش هم واجب می گردد. ۲.

شهید اول در کتاب دروس درباره تخلیه السرب آورده است: «... فیسقط مع الخوف على النفس أو المال أو البضع إذا غلب الظن على ذلك. و لو احتاج إلى خفارة أو مال للعدو وجب مع المكنة ما لم يجحف.» یکی از شرایط وجوب حج تخلیه السرب است و بدون تحقق این شرط در صورتی که ظن از ترس؛ مال، جان و عرض بر آن غلبه داشته باشد، حج ساقط می گردد. اما در فرضی که دشمن مانع باشد معتقد شده است که پرداخت مال، مادامی که مستلزم اجحاف به پرداخت کننده نباشد، در صورت تمکن مالی وی واجب است (۹).

شهید اول در کتاب غایه المراد تخلیه السرب را اینگونه معنا کرده است: «فإن قلنا: إنها عدم مانع في الطريق أصلاً، لا بالنظر إلى اختيار المكلف و عدمه، فهنا ليس كذلك، و هو اختيار المبسوط، قال: و إن تحمّلها كان حسناً. و ظاهرة سقوط الحج عنه لو فعل، و هو قوي. و إن قلنا: إنها إمكان السير في الطريق مطلقاً و جب دفع المال، لتحقق الإمكان، للقدرة، على السير بدفعه المقدور.» اگر در فرض اول این شرط به معنای عدم مانع به طور کلی در طریق حج و با قطع نظر از اختیار و عدم اختیار مکلف باشد؛ قول قوی تر، سقوط وجوب حج است. اما اگر به معنای امکان سیر در طریق به طور مطلق و از هر روشی باشد واجب است مال را به دشمن بدهد تا امکان سیر محقق گردد (۱۰).

محقق حلی در کتاب المعتمر فی شرح المختصر می نویسد: «..... لأن التخلية لم يحصل، و الأقرب ان كان المطلوب مجحفاً لم يجب و ان كان سيرا و جب بذله، و كان ذلك كأثمان الآلات.» در فرض عدم امکان دفع دشمن جز با پرداخت مال، در صورتی که پرداخت مال مستلزم اجحاف بر پرداخت کننده نباشد؛ آن را واجب دانسته و آن را مانند پرداخت پول برای تهیه. سائل مورد نیاز حج شمرده است (۱۱).

امام خمینی در حاشیه عروه الوثقی چنین آورده است: التفصیل بین کون العدو مانعاً عن العبور و لم یکن السرب مخلی عرفاً و لکن یمكن تخلیته بالمال فلا یجب و بین عدم المنع منه یکن يأخذ الظالم من کلّ عابر شيئاً فیجب إلیا إذا كان الدفع حرجياً و هذا هو الأقوی. (۱۲) ایشان قائل به تفصیل شده اند؛ بین دشمنی که مانع عبور است و دشمنی که مانع نبوده و فقط از هر عابری پول می گیرد. در فرض اول؛ تخلیه السرب را عرفاً محقق نمی داند.

محقق عراقی در بحث پرداخت مال جهت دفع دشمن قائل به تفصیل شده اند و آورده اند: بناءً على كون تخلية السرب من الشروط الشرعية كما هو ظاهر دليله لا يجب تحصيله بدفع ماله و لو لم یکن مضرراً بحاله نعم لو كان من الشروط العقلية أمكن إجراء التعليل في المقام أيضاً فيكون المدار أيضاً على الضرر الموجب تحمّله الحرج عليه لا مطلقاً. (همان) ایشان معتقدند که اگر تخلیه السرب را شرط شرعی بدانیم، همانطور که اسناد شرعی نیز در این مطلب ظهور دارند، تحصیل شرط با دفع مال واجب نیست، هر چند که مستلزم ضرر

* عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَبَاءِ يَبْعُ فِي الْأَرْضِ - هَلْ يَصْلُحُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَهْرَبَ مِنْهُ - قَالَ يَهْرَبُ مِنْهُ - مَا لَمْ يَبْعُ فِي مَسْجِدِهِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ - فَإِذَا وَقَعَ فِي أَهْلِ مَسْجِدِهِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ - فَلَا يَصْلُحُ لَهُ الْهَرَبُ مِنْهُ - عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ مِي كَوَيْدَ از امام كاظم (ع) پرسیدم: زمانی که وبا در سرزمینی پدیدار می شود آیا انسان می تواند از آن ناحیه بگریزد؟ امام كاظم (ع) فرمودند: اگر در مسجدی که در آن نماز می خواند وبا پدیدار نشده باشد بله. اما اگر در مسجدی که در آن نماز می خواند وبا پدیدار شده باشد؛ صحیح نیست که از آن ناحیه بگریزد.

از این روایات می توان نتیجه گرفت که گریختن ودور شدن از منطقه آلوده مورد تایید ائمه علیهم السلام است؛ در صورت عدم حضور قبلی در مکان اجتماعی آلوده. ودر گذشته مساجد محل اجتماع مسلمین بوده واحتمال انتقال بیماریهای واگیر دار در آن محل بالا می باشد. ۳. وبا را برخی لغت دانان به مفهوم هر بیماری فراگیر دانسته اند (۱۳) بنا براین می توان از این روایات جواز مقابله با بیماریهای واگیر دار را برداشت کرد.

این روایات اجازه خروج از شهر را به شخصی که بیماری مسری در منطقه محل اقامتش شیوع وگسترش یافته را نمی دهد. این حکم به خاطر آن است که احتمال ابتلای شخص به بیماری وجود دارد و سبب انتشار بیماری به قسمت های وسیع تری می گردد. بنابراین اقتضای قاعده دفع ضرر احتمالی، نهی از خروج را ایجاب می کند.

جایگاه قواعد فقهی در استطاعت طریقی

از نظر فقهی نیز وقتی تراحم بین دو عمل بوجود می آید ونمی توان هر دو عمل را با هم انجام داد باید یکی از آنها را بردیگری ترجیح داد وآن را امتثال نمود. یعنی باید یک مرجحی پیدا کرد و یکی را بر دیگری ترجیح داد و به آن عمل کرد و دیگری را ترک کرد. و بر اساس «قاعده لاضرر» و «وجوب حفظ جان» ما حق نداریم که هیچ گونه عملی را که به ضرر خودمان است را انجام دهیم. از طرفی در روایات ما به این مساله تاکید شده که اگر جایی بیماری واگیر دار مثل وبا و طاعون بود از آنجا حذر کنید. حتی اگر روایاتی در این زمینه نداشتیم، عقل حکم می کرد که از شیوع بیماری و قرار گرفتن در معرض آن خودداری کنیم. از نظر عقل، تکلیف زمانی بر ذمه مکلف مستقر می گردد که امکان انجام آن فعل را داشته باشد بنابراین اگر مسیر ادای مناسک حج از امنیت بر خوردار نباشد تعلق تکلیف منتع است. (۱۴) بنابراین رعایت اصول ایمنی و بهداشتی وقوانین برای دور ماندن از گزندها یک امر بدیهی عقلی است که شرع مقدس هم بر آن تاکید دارد.

* قاعده «الملازمه بین حکم العقل وحکم الشرع» می توان گفت که هرگاه عقل به چیزی حکم کند، شرع نیز به همان حکم می کند و میان علما هیچ گونه اختلاف نظری نیست. و روشن و واضح است که شارع جزء عقلاء و رئیس آنهاست. پس هرگاه حکم به طور قطع و یقین نزد عقلاء ثابت باشد، همان حکم در نزد شارع نیز به یقین ثابت می باشد. چرا که شارع خردمندترین عاقلان و برترین آنهاست. قابل ذکر است که مراد از حکم عقل کاشف بودن آن از حکم شرعی است، یعنی مانند چراغی حکم شرعی را نشان داده و آن

از شهر این بیماری پدیدار شده؛ آیا انسان می تواند از آن ناحیه به ناحیه دیگری برود و یا اگر در آن منطقه است از آن خارج شود؟ امام علیه السلام فرمودند: مشکلی ندارد. پیامبر اکرم (ص) یک بار از چنین کاری نهی کردند به این دلیل که مکان دیده بانان و مرزبانان در برابر دشمن بود و وبا در آن مکان پدیدار شد و از آن جا گریختند و پیامبر اکرم (ص) فرمودند: گریز از این مکان همچون گریختن از میدان جهاد است تا مبدا مراکز مرزی وحساس خالی بماند.

* راوی می گوید: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْقَوْمُ يَكُونُونَ فِي الْبَلَدِ - فَيَبْعُ فِيهَا الْمَوْتُ - أَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَتَحَوَّلُوا عَنْهَا إِلَى غَيْرِهَا قَالَ نَعَمْ - قُلْتُ بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص عَبَّ قَوْمًا بِذَلِكَ - فَقَالَ أَوْلَيْكَ كَانُوا رَبِيَّةً بِلِزَاءِ الْعَدُوِّ - فَأَمَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ يَتَّبِعُوا فِي مَوَاضِعِهِمْ - وَ لَا يَتَحَوَّلُوا مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ - فَلَمَّا وَقَعَ فِيهِمْ الْمَوْتُ - تَحَوَّلُوا مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ - فَكَانَ تَحْوِيلُهُمْ مِنْ ذَلِكَ الْمَكَانِ إِلَى غَيْرِهِ - كَالْفِرَارِ مِنَ الزَّخْفِ - در محضر مبارک حضرت ابی عبدالله (ع) عرض کردم: مردم در شهر بوده و مرگ بینشان واقع می شود مثل اینکه مرض وبا در بین ایشان شایع می گردد و آنها را از پای در می آورد آیا می توانند از آن شهر گریخته و جای دیگری بروند؟ حضرت فرمودند: بله. عرضه داشتیم: به ما رسیده که رسول خدا (ص) گروهی را به خاطر این کار ملامت و سرزنش کردند؟ حضرت فرمود: آنها گروهی بودند در مقابل دشمن که رسول خدا (ص) ما مورشان کرده بودند در جای خود مانده و به جای دیگری نروند، وقتی مرگ و هلاکت در بینشان واقع شد از آن مکان به جای دیگری گریختند و این گریز به مثابه این بود که از صحنه نبرد جهاد گریخته بودند از این رو مورد نهی و ملامت قرار گرفتند.

* راوی می گوید: سَأَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الطَّاعُونَ - يَبْعُ فِي بَلَدَةٍ وَ أَنَا فِيهَا أَتَحَوَّلُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ - قَالَ فِي الْقَرْيَةِ وَ أَنَا فِيهَا - أَتَحَوَّلُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ - قَالَ فِي الدَّارِ وَ أَنَا فِيهَا أَتَحَوَّلُ عَنْهَا قَالَ نَعَمْ - قُلْتُ فَإِنَّا نَتَحَدَّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ - الْفِرَارُ مِنَ الطَّاعُونَ كَالْفِرَارِ مِنَ الزَّخْفِ - قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص إِنَّمَا قَالَ - هَذَا فِي قَوْمٍ كَانُوا يَكُونُونَ فِي الثَّغُورِ فِي نَحْوِ الْعَدُوِّ - فَيَبْعُ الطَّاعُونَ فَيُخْلُونَ أَمَا كَيْفَهُمْ يَفِرُونَ مِنْهَا - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَلِكَ فِيهِمْ - بَعْضِي أَصْحَابٌ مِنْكُمْ كَاظِمٌ (ع) سوال کردند: اگر طاعون در شهری آمد و من آنجا بودم، باید از آنجا خارج شوم؟ فرمودند: بله. پرسید: اگر در روستایی بود چه؟ فرمودند: بله. پرسید اگر در خانه بود چه؟ فرمودند: بله خارج شوید. گفتیم ما از رسول خدا (ص) اینگونه حدیث می کنیم که فرمودند: فرار کردن از طاعون مانند فرار کردن از جهاد است. امام فرمودند: پیامبر خدا (ص) این را برای کسانی فرمودند که در نقاط حساس و مرزهای مبارزه با دشمن بودند، و وقتی آنجا طاعون آمد سربازان از ترس فرار کرده و جبهه را خالی کردند. و از این رو مورد نهی و ملامت قرار گرفتند.

* قَالَ وَ رَوَى أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ الطَّاعُونَ فِي أَهْلِ مَسْجِدٍ - فَلَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَفِرُوا مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ. أَقُولُ: هَذَا مَحْمُولٌ عَلَى الْكِرَاهَةِ مَعَ أَنَّهُ مَخْصُوصٌ بِالْمَسْجِدِ. وروایت شده اگر در بین مردمی که در مسجد هستند طاعون پیدا شود حق ندارند از آن مسجد بگریزند و به مسجد دیگری بروند.

را فهمیده و درک می کند، نه اینکه وظیفه عقل انشاء و تشریح و قانونگذاری حکم باشد. (۱۵)

شهید صدر در این باره فرموده است: نقش عقل نسبت به حکم شرعی نقش فهم و درک کننده است، نه نقش قانونگذار و سازنده ی حکم (۱۶).

بنابراین هرگاه عقل حکم کند که چنین رفتاری موجب انتقال بیماری می گردد باید به ضرر و زیان ناشی از ابتلای خود و دیگران و انتشار آن در جامعه توجه کرد. چرا که این بیماری تا کنون فاقد روش درمانی قطعی می باشد و بسیاری از افراد را به کام مرگ می کشاند. در این زمان باید به حکم عقل و با توجه به مقتضای قاعده از مواجهه با رفتاری که احتمال انتقال بیماری در آن زیاد است دوری کرد.

* قاعده «وجوب دفع الضررالمحتمل» می توان گفت: تردیدی نیست که عقل سلیم به وجوب دفع زیان احتمالی، خواه زیان دنیوی و خواه اخروی حکم می کند پس در این هنگام اگر شخص در آستانه ی زیان قرار گیرد و از آن دوری نکند، خردمندان او را نکوهش و سرزنش می کنند. و بر این اساس دفع ضرر احتمالی به ویژه زیان اخروی واجب است و عقل به وجوب آن ضرر به طور یقین حکم می دهد و سخن خداوند بلند مرتبه: «با دستانتان خودتان را به هلاکت و نابودی نیندازید» ما را به آن رهنمون می سازد. ۱۵. از این رو مقتضای قاعده مزبور این است که از اصل سرایت و انتقال بیماری ممانعت به عمل آید. و مدلول اصلی این قاعده مسدود کردن راههای انتقال و پیشگیری از سرایت است. بنابراین هر گونه رفتاری که احتمال سرایت بیماری در آن یافت شود باید طرد گردد.

* قاعده «لا ضرر»: مراد از این قاعده نبودن حکم ضرری در شریعت مقدس بوده و این به خاطر لطف و امتنان خداوند بر بندگانش است. بنابراین هر عبادت و دادوستدی که باعث ضرر و زیان شود به جهت لطف و عنایت خداوند بر مکلف منتفی می باشد. و روایات وارد شده در ابواب مختلف فقهی در باره این قاعده نزدیک به حد تواتر رسیده است. ۱۵.

در این بیماریهای مسری باید بسیار زیرکانه عمل کرد و نسبت به آینده نیز پیش بینی لازم را لحاظ نمود. در جایی که احتمال انتقال بیماری وسیع و گسترده می باشد و درصد سرایت آن بالاست باید رفتاری را که باعث انتقال می گردد را دفع نمود و از هرگونه ضرر جانی، ضرر مالی، ضرر دینی، ضرر بر حکومت و... جلوگیری نمود. نوع ضرر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و در جایی که شدت ضرر بالاست؛ حکم به دفع ضرر از اهمیت بالایی برخوردار می گردد. در ضررهای مهم جانی حتی احتمال شک نیز باید مورد توجه واقع شود. مرحوم فیروزآبادی در این باره آورده است: اگر ضرر از مضرات بسیار مهم باشد، مانند قتل یا از میان رفتن عرض یا عذاب اخروی و مانند اینها، در این موارد عقل حکم به دفع ضرر مظلون و محتمل می دهد، بلکه حکم به دفع ضرر موهوم می دهد، چه رسد به ضرر مظلون و محتمل و... (۱۷)

* قاعده «لا حرج» (نقی العسر والحرج) مراد از این قاعده برداشته شدن حکمی است که باعث سختی و فشار شود. بر این اساس هر حکمی که باعث دشواری یا تنگی گردد، از سوی شرع منتفی بوده

است. و ملاک حرج آن سختی و فشاری است که فوق حد عادی و عرفی باشد. و مرجع برای تشخیص این ملاک، خود فرد مکلف یا کسی که نسبت به آن ملاک از او آگاهتر و داناتر است می باشد. استاد بجنوردی می فرماید: مفاد نفی حرج در عالم تشریح و قانون گذاری؛ نبودن حکم حرجی است و این طلب صحیح بوده و خدشه ای بر آن وارد نمی باشد. ۱۵.

آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی می فرماید: فقه شیعه به حدی مستحکم است که در رأس واضح، احکام فقه شیعه، وجوب حفظ جان انسان قرار دارد. وی تأکید کرد که تمام این عباداتی که برای خداوند انجام می دهیم اگر مزاحمت با حفظ جان انسان داشته باشد، این یک امر بسیار واضح در فقه و اصول ما است که در مسأله تزاحم، حفظ جان مقدم بر اینهاست.

<https://www.mehrnews.com/news4865356>
در همین موضوع، نامه ای از امام خمینی به برادرش آقای پسندیده گویای مشی ایشان در مواجهه با بیماری هاست. ایشان فرمودند: «شما را به خدای متعال قسم می دهیم به حرف های دکتر ترتیب اثر دهید. چرا موجب نگرانی همه می شوید؟ خداوند لازم نموده است که در مواقع احتمال ضرر، انسان از آنچه موجب است اجتناب کند، اگر چه ترک حج و صوم و صلاه باشد.» (۱۸)

ادله و مستندات

ادله و مستندات واجب نبودن حج در صورت سختی و مشقت عبارتند از:

* قرآن: مهم ترین دلیل از ادله اربعه، قرآن کریم است. به طوری که خداوند متعال در ۱-قرآن می فرماید: بَرِئَ اللَّهُ بِكُمْ مِنَ الْيَسْرِ وَالْيَرِيدِ بِكُمْ الْعَسْرُ «خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما سختی را اراده نکرده است» (بقره: ۱۸۵) لایکلف الله نفساً الاوسعها «خداوند برای شما آسانی می خواهد و برای شما سختی را اراده نکرده است» (بقره: ۲۸۶)
* روایات: در خصوص لا ضرر، روایات بسیاری وارد شده که نشانگر نوعی تواتر اجمالی در این موضوع است؛ به این معنا که هر چند همه روایات مذکور به یک لفظ نیستند، ولی مضمون واحدی دارند به عنوان مثال شخصی به امام حسن عسکری (ع) نوشت که کسی قناتی دارد و دیگری در همسایگی او قصد حفر قنات دیگری را دارد. او چه مقدار باید رعایت حریم کند؟ آن حضرت در پاسخ نوشت: «عَلَى حَسَبِ أَنْ لَا تُضَيِّرَ إِخْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى»؛ یعنی: به گونه ای باشد که یکی به دیگری ضرر نرساند. ۵.

همچنین شخصی از امام صادق (ع) سؤال می کند که مُحْرَمی هنگام وضو، آب را به صورت کامل به چهره و دست های خود می رساند و این امر سبب می شود که یک یا دو مو از ریشش بیفتند، آیا اشکال دارد؟ امام در پاسخ او فرمودند: کار حرامی نکرده و کفارہ نیز ندارد؛ چرا که در دین حرج جعل نشده است.

* عقل: مهم ترین دلیل برای نفی ضرر و ضرار؛ عقل است. در واقع باید گفت که مدلول این قاعده جز «مستقلات عقلیه» است که عبارتند از اموری که بدون حکم شرع خود عقل به آنها می رسد. نراقی می گوید: دلیل العقل، وهو: قبج تحمیل ما فیه هذه الأمور؛ ولکنه مختص ببعض أفرادها، وهو ما كان متضمناً لتحمیل ما هو

References

Holy Quran

- 1- Qara Daghi, Ali, International Quran News Agency, Iqna, quoted by Anatolia news department, news code 3882560, Isfand 98
- 2- Aamily, Muhammad bin Ali Mousavi, 1411 AH, Al-Ahkam documents in the description of worship of Islamic laws, 8 volumes, Al-Bayt Institute, Peace be upon them, Beirut-Lebanon, first vol.7, p7-۲ Vol 7, p. 62
- 3- Hur (Aamili), Muhammad bin Hasan, 1409 AH, Waseel al-Shia, Qom, Al-Al-Bayt Publications. vol. 1, p11. Vol. 11, p. 35. Vol 2, p 429
- 4- Hashemi Shahroudi, Mahmoud, (group of researchers), 1426 AH, Fiqh culture according to the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon him, Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt, peace be upon him, first edition, Qom, vol. 1, p. 429
- 5- Khomeini, Ruhollah, Tahrir al-Wasila, Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA), Kitab Hajj, Vol. 1, p. 42
- 6- Kalini (Abu Ja'far), Muhammad bin Ya'qub, 1407 AH, Al-Kafi (I - Islamic), 8 volumes, Tehran - Iran, 4th, Dar al-Kutub al-Islami. Vol. 4, p. 267. Vol5, p. 293.
- Bahrani (Al-Asfour), Yusuf bin Ahmad bin Ibrahim, 1405 AH, Al-Hadaiq al-Nadrah fi Ahakam al-Utrah al-Tahira, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers' Society, Qom - Iran, 1. vol. 14, p. 80
- 7- Sabzevari (researcher), Muhammad Baqir bin Muhammad Momin, 1247 AH, Zakhira al-Ma'ad fi Sharh al-Irshad, 2 volumes, Al-Bayt Institute, peace be upon them, Qom - Iran, first. Volume 2, page 562
- 8- Khoi, Seyyed Abu al-Qasim Mousavi, 1418 AH, Encyclopedia of Imam Al-Khoei, Vol. 26, Ch. 1, Qom-Iran, Foundation for

خارج عن الوسع والطاقة، أعنی: كان تكلیفاً بما لا یطاق، ولا یمكنه الإتیان به دلیل عقلی بر قاعده لاجرح، این است که تحمیل اموری که در آن‌ها عسر و حرج و مشقت وجود دارد، قبیح است؛ لکن این قبح در بعضی از افراد حرج که خارج از وسع و طاقت باشند، وجود دارد؛ در این صورت، تکلیف به مالایطاق است که امکان انجامش نیست و عقلاً قبیح است. (۱۹) شارع مقدس با این حکم، افراد را ملزم به جبران ضرر کرده است، یعنی هر کس که موجب ضرر و زیانی نسبت به غیر بشود، باید آن را جبران و تدارک کند و در نظر شارع موردی نیست که کسی به دیگری ضرر برساند و ملزم به جبران آن نباشد و به تعبیری، ضرر تدارک نشده یا غیر متدارک که ترتیب جبران آن داده نشود در اسلام وجود ندارد. در نهایت می‌توان گفت در جایی که بیماری مسری آثار و پیامدهای زیانباری به همراه دارد و یا اینکه سرعت انتشار آن بالاست عقل و سیره عقلانه تنها دفع ضرر ر مظلون را لازم می‌داند بلکه دفع ضرر مشکوک را نیز لازم می‌پندارد.

※اجماع: فقهای عظام نیز در صورت عدم استطاعت طریقی و حصول امنیت؛ وجوب حج را منتفی می‌دانند. اجماع مسلمین بر نفی حکم حرجی در شریعت اسلام است (۲۰).

نتیجه‌گیری

مراسم حج در بسیاری از جهات از جمله تعداد افراد مجتمع در یک مکان در نوع خود بی‌نظیر است و هرساله آمار افراد شرکت‌کننده در این مراسم مذهبی رو به افزایش است. عوامل بیماری‌زایی که توان منتشر شدن از طریق هوا را دارند به راحتی قابل انتقال می‌باشد. نکته حائز اهمیت که در بررسی ضررهای ناشی از انتقال بیماریهای واگیر دار باید مورد توجه قرار گیرد، خطر شیوع و انتشار برخی از بیماریهاست؛ به گونه‌ای که این نوع بیماریها به خاطر انتقال پذیری سریع و آسان در مدت زمان کوتاهی به اپیدمی فراگیری منجر می‌گردد. این بیماریها علاوه بر آثار و نتایج و پیامدهای زیانبار فردی از حیث اجتماعی نیز سبب ضرر و زیان می‌گردد. که با توجه به ضررهای ناشی از آن باید حکم به دفع و رفع رفتارهای قابل سرایت و انتقال داد. بنابراین هرچند که حج واجب است و تعطیلی کعبه جایز نیست اما در صورت عدم استطاعت طریقی برای مکلف واجب نخواهد بود. بنابراین در جایی که احتمال ضرر میرود و در صورت ناامنی در مسیر ادای مناسک حج، چه در راه به سوی سرزمین وحی و چه در خود مسجد الحرام و وجوب حج ساقط می‌گردد. و باید در سالهای آینده در صورت حصول اطمینان به جا آورده شود. نظر به اینکه مرجع تصمیم‌گیری درباره یک مسأله، بر اساس قلمرو اثر گذاری آن تفاوت می‌کند، لذا نظر یک متخصص شاید نسبت به یک فرد قابل اعتماد باشد ولی اظهار نظر درباره یک مسأله پزشکی برای عموم مردم و فرا خواندن مردم به یک رفتار عمومی که نیازمند تخصص و همه جانبه نگری است، باید از سوی نهادهای رسمی پی‌گیری شود. و به همین ترتیب برای یک مسأله عمومی مربوط به سطح جهان، تصمیم‌گیری حسب مورد بر عهده مراجع عظام، دولت، وزارت بهداشت و یا حتی رهبری نظام است. که باید به صورت تخصصی نسبت به آن اهتمام ورزید.

- 18- Khomeini, Ruhollah. Imam Khomeini's book, 1378, vol. 20, Tehran, center for organizing and publishing the works of Imam Khomeini (RA), vol. 20, p. 30
- 19- Al-Naraqi, Ahmad, 1417 AH, Awaed al-Yam, research: Center for Islamic Research and Studies, first edition, Qom: Maktoal Al-Mahad Al-Islami (Islamic Propaganda Office of Qom Seminary). p. 173
- 20- Taba Taba'i, Muhammad Bin Ali, 1296 AH, Mufatih al-Asul, Ch1, Qom-Iran, Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him, Lahiya al-Tarath, p. 535
- Revival of the Works of Imam Al-Khoei, Vol. 26, p. 170
- 9- Aamily (the first martyr), Muhammad bin Makki, 1414 AH, the purpose of explaining the point of guidance, Ch. 1, Qom - Iran, Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. Volume 1, page 313
- 10- Aamili (the first martyr), Muhammad bin Makki, 1417 AH, Al-Dross al-Shari'a fi fiqh al-Imamiya, Ch. 2, Qom-Iran, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society, Vol. 1, p. 377
- 11- Hali (researcher), Najm al-Din Jafar bin Hasan, 1407 AH, Al-Mutabbar fi Sharh al-Mukhasar, Vol. 2, Ch. 1, Qom-Iran, Seyyed Al-Shuhada Institute, peace be upon him, Vol. 2, p. 755
- 12- Tabatabaei Yazdi, Seyyed Mohammad Kazem, Al-Arwa Al-Wathaghi, Vol. 4, Tehran, Al-Maktabeh Al-Ulamiya Al-Islamiya, Vol. 4, p. 430
- 13- Sahib Ibn Ebad, 1414 AH, Al-Muhait fi-ul-Lagheh, Alam Al-Katb, Lebanon-Beirut, vol. 10, p. 451
- Ibn Manzoor, Mohammad Bin Makram, Beita, Lasan al-Arab, Dar Ihya Al-Trath al-Arabi, Vol. 1, p. 189
- 14- Muqaddis Ardabili, Ahmad Ibn Muhammad, 1403 AH, Al-Faideh Al-Burahan in Sharh Al-Azhan, Qom, Jama'ah al-Madrasin Boqm, Al-Nashar al-Islami Institute, vol. 6, p. 61
- 15- Mustafavi, Mohammad Kazem, 1421 AH, al-Qasas, Ch9, Qom, Al-Nashar al-Islami Institute, p. 269. P. 307. P. 423. P. 296
- 16- Sadr, Seyyed Mohammad Baqir, Lessons in Islamic Science: The Third Circle, Majmam al-Fikr edition, p. 428
- 17- Hosseini (Firouzabadi) Seyyed Morteza, 1400 AH, Anayah al-Asul fi Sharh Kefaye al-Asul, Ch. 4, Qom, Firouzabadi Bookstore, Vol. 3, p. 278